

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دیانه رولان
برگردان از: سعید عطاپور
۱۷ دسمبر ۲۰۱۸

راستی "واسکت زرد" ها: نامه یک عضو ژت به اتحادیه اش

این نوشته فراخوانی است رو به ژت، تا مثل واقعه «نه» به قانون اساسی اروپا در سال ۲۰۰۵ به همراه جریان "واسکت زردها" جایگاه خود در این مبارزه را تشخیص داده و پر کند تا مجدداً چنان جنبش اتحادیه نی بر پایه قدرت توده نی و طبقاتی خود تجدید حیات نماید که در سالهای ۱۹۳۶، ۱۹۴۵ و ۱۹۶۸ قادر به دست یابی به آن همه دستاوردهای نوین دمکراتیک و اجتماعی گردید.

از ۱۷ نومبر امسال کارگران و مردم فرانسه با پوشیدن "واسکت های زرد" علیه افزایش قیمت‌های مواد سوختی ناشی از مالیات جدید روی سوخت گازوئیل در حال اعتراض اند. یعنی علیه تهاجمی که برای چندمین بار پیاپی علیه منافع طبقاتی ما جهتگیری کرده است. این جنبش که همزمان با قیام مردم جزیره رئونیون Réunion که هنوز در رابطه ای استعماری با فرانسه قرار دارند، ادغام شده است، در واقع خصلت یک قیام توده نی را به خود گرفته است. ما همه بخوبی می دانیم که بهانه "محیط زیستی" برای گرانی مجدد وسائل معیشت روزانه کارگران و خانواده هایشان یکی از همان مانورهای دائمی و سابقه دار گمراه کننده است، درست مثل بهانه هائی که به عنوان دلایل "اصلاحات قانون کار" و سایر "اصلاحات" امانوئل مکرون عنوان می شدند و ما با قاطعیت و شهامت به مبارزه علیه آن پرداختیم ولی موفقیتی به دست نیاوردیم.

دو واقعه ای که اخیراً اتفاق افتاده اند، جوهر دروغهای احمقانه و دهاتی پسند در مورد ضرورت وضع "مالیات برای محیط زیست" را برملا می سازند: اولاً نیکولا هولوت وزیر محیط زیست اخیراً بعد از آن همه وعده های انجام نشده با سرافکنی تمام استعفاء داد. علاوه بر آن هم اعتصاب طولانی همکارانمان در راه آهن مان در مخالفت با خصوصی سازی ضد محیط زیستی شرکت دولتی راه آهن اس ان سی اف.

ما این را هم از روی تجربه می دانیم که در جریان هر مبارزه ای که ما به آن مبادرت می ورزیم، از جانب دولت، مطبوعات و کارفرماها به طور مستمر برای شست و شوی مغزی و مانیپولاسیون ما تلاش می شود تا مبارزه ما را مسخ کنند، منزوی نمایند و سایر مردم را علیه ما بشورانند. این عملکرد نشاندهنده آنست، که دروغ به عنوان ابزاری برای تحریف و مانیپولاسیون افکار عمومی جزو داده های مبارزه طبقاتی است که طبقه استثمارگر سرمایه دار و جیره خوارانش علیه دنیای کار، به پیش می برند.

چاک اتهام دروغین فاشیسم علیه مبارزه "واسکت زردها" را ببندید

از زمان اعلان قصد معترضان برای بلوکه کردن جاده ها، مطبوعات دروغ پرداز کلمه "مالیات" را علم کردند تا اعتراض را به عنوان "پوژادیسیم" معرفی کرده و جنبش را بدنام کنند. (۲) از آن گذشته این موضوع را برجسته کردند، که این "جنبشی است که سازماندهی شده نیست و فاقد رهبریت است" تا به این شکل تلقین کنند که "از سوی راست افراطی صادره شده است". .. پروپاگاندای بورژوائی و دولتی که تا آن زمان شدیداً ضد اتحادیه و به خصوص علیه ثروت موضع می گرفت، یکباره پوست انداختند و شروع کردن به تمجید از اتحادیه و گفتن این که "در مورد اتحادیه ها باید انصافاً بگوئیم که آنها لاقلاً اقدامات خود را پیشاپیش توضیح می دهند، سازماندهی شده هستند و طرف مذاکره مسئولیت پذیری اند" (زکی!).

دولت علیه قیام عمومی خودجوش توده ئی (مطابق اظهارات پولیس با شرکت ۳۰۰.۰۰۰ نفر و مطابق اخبار خبرگزاریهای خارجی ۱.۴۰۰.۰۰۰ نفر) خدمات "نهادهای" اتحادیه ئی (corps constitués) را مورد ستایش قرار می دهد و از آنها به عنوان اجزاء جمهوریخواه سیستمی نام می برد که حق تظاهرات موجود در قانون اساسی را فقط تا زمانی تحمل می کند، که اقتصاد بلوکه نشود. این همان روش برای محدود کردن دموکراسی است که، ژان کلود یونکر رئیس کمیسیون اروپا از آن نام برده است: "« هیچ تصمیم گیری دموکراتیکی نمی تواند در ضدیت با قراردادهای اتحادیه بازار مشترک اروپا وجود داشته باشد.»"

نامیدن "واسکت زردها" با عنوان "فاشیسم" یک محصول جانبی نامگذاری تحت عنوان "پوپولیسم" است که در هر موردی که پای آدمهای عادی از توده مردم در میان باشد به کار برده می شود. نخبگان بورژوازی و نوچه هایشان تاب تحمل آن را ندارند که "اراذل"، "عمله ها"، کارگران حرفه ئی، خود استثمارگران خرده پا و اویریستها (۳)، کسبه خرده پا یا صاحبان کارگاه های کوچک و شرکت های متوسط صنعتی، در یک کلام مردم عامی، با دخالت در امور اجتماعی موی دماغ شده و در امور کشوری دخالت کرده و به رشد سرطانی ثروتهای ۴۰ سهام دار کله گنده پاریس، که در بورس پاریس (CAC40) فعال اند و همچنین کنسرنهای دیگری که به خرج بقیه جامعه مدام ثروتمندتر می شوند، کارت قرمز نشان بدهند.

اما چه کسی است که حتماً می خواهد ما فکر کنیم خشم مردم "پوپولیستی" و "فاشیستی" است؟ آدم باید فقط نگاهی به خواست آنها بیندازد، آنوقت می فهمد که، این انسانها از گرانی مداوم وسائل معشیت زندگی جانشان به لب رسیده است و انتقادشان متوجه علیه کسی (البته دولت و کارفرماها) است، تا همه چشمان را باز کرده و متوجه شوند و بفهمند که پروپاگاند مکرور علیه مردم با انگ "فاشیستی" زدن به آنها و نیز پروپاگاند فاشیستهای دست راستی افراطی؛ مبنی بر "حمایت" آنها از این جنبش قصد شان اینست، که به ما بقبولانند جای شب و روز را عوضی بگیریم. مکرور خیلی ساده سعی خود را می کند که دشمنش را همانطور معرفی کند که بدان نیاز دارد. تئاتر سیاه بازی چپ-راست دیگر خریداری ندارد. حالا بایستی با "جمهوریخواه-پوپولیست"، "اروپائی-ناسیونالیست" و "دمکراتیک-فاشیست" شابلون قلابی جدیدی اختراع شود.

نگذاریم ما را به احمقهای بی بته ای تبدیل کنند، که تصویر مجازی را با واقعیت عوضی می گیرند

اگر ما به دامی که جبهه لیبرالهای افراطی پیرامون پرزیدنت مکرون و کنسرنهای دیزل- و بنزین پهن کرده اند بیفتیم، حقیقتاً به چنین احمقهای تبدیل خواهیم شد. ما بایستی با پرهیز از قبول کردن استدلال شیادانه "جبهه مقابله" طرح شده مبنی بر این که ثروت "همراه با راستهای افراطی تظاهرات نمی کند"، که معنای واقعی و هدف آن متهم کردن

"واسکت زردها به عنوان جریانی فاشیستی" می باشد، از خالی کردن پشت کارگران رزمنده خودداری کنیم. ما باید به حقانیت و مشروعیت خواستهای این جنبش، که همسوی ماست، پایبند مانده و در این جهت تلاش کنیم که همه زحمتکشان و از جمله در اعتصابات سازماندهی شده از سوی ما، بر مبنای منافع طبقاتی مشترک متحد شوند، سوای اعتقاداتشان، جهان بینی مذهبی و یا سکولار و یا علائق و جهت گیریهای سیاسی شان.

فاشیستها تنها می توانند زمانی به هرج و مرج و سر درگمی دامن بزنند که ما سیاست صندلی خالی را در دل جنبش اجتماعی دنبال کنیم. زمانی که ما یا از روی حماقت و یا خیانت به ایده آلهای سندیکائی عرصه مبارزه اجتماعی علیه تورم وسائل معیشت زندگی و رسیدن به خواستهای مردم و مبارزه علیه گرانی مداوم را که معنائی جز کاهش واقعی مزدها را ندارد، به آنها واگذار کنیم. طبیعت از تهی بودن متنفر است.

مبارزه طبقاتی – توده نی اتحادیه ها

با ۸٪ درصد کارگر متشکل اتحادیه نی در سطح کل جامعه و تقریباً ۴٪ متشکل در ژت، ما فاصله زیادی تا سازماندهی با مبارزه اتحادیه نی بر پایه ای توده نی و طبقاتی داریم. ما همه می دانیم که مالیاتها (آنجا منظورمان مالیتهای مورد نظر بر مواد سوختی = تیب tipp، مالیاتهای مربوط به امور اجتماعی = سی اس جی csj، مالیات بر ارزش افزوده = وی آ tva و غیره) و مالیات جدید برای افزایش قیمت سوخت اتومبیل در خدمت رفع بحران سرمایه داری، جبران کسری بودجه آن و پرداخت بدهی هایش از کیسه کارگران، می باشد.

از چهل سال پیش تاکنون تهاجم لیبرالها فقط یک هدف را تعقیب کرده است: کاهش دستمزدها. مهمترین ابزار آن نیز افزایش قیمتها، ثابت نگاه داشتن حقوقها، ایجاد مشاغلی نامطمئن در بخش خصوصی (کار نیمه وقت، قراردادهای موقتی، کار فصلی، کار روزمزدی و امثالهم) و در بخش دولتی (کارگران خویش فرما، کارگران شرکتهای پیمانکار، استخدامی با قراردادهای موقتی، و یا قراردادهای دائمی* و غیره) می باشد. همه شاغلان چه در رشته های دولتی و یا خصوصی بلااستثناء در معرض دائمی این تعرض قرار دارند.

برای جنبش اتحادیه نی و بالاخص ژت اگر در این شرایط دست روی دست گذاشته و در مبارزه "واسکت زردها" فقط تماشاگر بمانیم، به این معنا است که ما یک گلوله به زانوی خود شلیک کنیم. آنهم با استدلالاتی بی مایه ای مثل: "آنهاست که امروز مبارزه می کنند، چرا دیروز که ما علیه قانون کار جدید و اصلاحات مکرون می جنگیدیم، غائب بودند." و یا "آنها به طور مشخص خواست افزایش حقوق را مطرح نمی کنند." و غیره..

دور ماندن از جنبش "واسکت زردها" با طرح ایراداتی از این دست که حالا دیگر به اندازه کافی اقدام شده، به این معناست، که با خود فریبی عملاً در راستای حفظ منافع دولت و در جبهه کارفرمایان قدم برداشته و فراموش کنیم، چرا این مردم اینگونه خشمگین اند و خشم خود را به جای آنانی که حقشان است یعنی دولت و جبهه کارفرمایان، متوجه دیگر زحمتکشان کنیم، یعنی خنجر زدن از پشت به اتحاد کارگران و گل زدن به دروازه خودی، تا فردائی دیگر دوباره ناله و شیون سر دهیم که چرا کارگران از فراخوانهای ما حمایت نمی کنند.

فعال شدن با آنها دقیقاً به معنای تشدید حساسیت لازم برای حرکت به سوی وحدت طبقه و توده ها از یک سو و کار کردن بهتر و فعالتر بر روی فهرست مطالباتی است. تا از این زاویه توان جلو گیری از تهاجم ضد اجتماعی رؤسای بزرگ و گردانهای زیردستی لیبرالشان را به دست آورده و بر آن غلبه کنیم.

اگر دقیقاً به قضیه نگاه کنیم، جنبش واسکت زردها را می توان نقطه ورود به مبارزه اجتماعی برای بخش عظیمی از مردم دانست که در مبارزات تا کنونی ما علیه نابودی دستاوردهائی که نسل پیشین ما در مبارزاتی برای آن جنگیده و

بسختی به دست آورده بود، شرکت نکرده و از آنها دوری می جستند. اغلب این زنان و مردان در شمار "رأی ندهندگان" قرار دارند که پای صندوقهای رأی هم نمیروند. آنجائی که قضیه بر سر این است که کدام سیاستمدار برای پنج سال آینده و در خدمت بورژوازی بر ما حکومت خواهد کرد.

از این زاویه ما شاهد آنیم که بخش پاسیو و غیر فعال جامعه کارگری با جنبش واسکت زردها به صحنه وارد می شود، آن بخشی که به سیستم بورژوائی اعتماد داشته و به وعده های آن مبنی بر این که، اگر کمربند تان را سفت تر ببندید، شانس شما "برای ادامه بقاء و در شرکت بر سر تقسیم غنائم برای رفاه" بیشتر خواهد شد، را قبول داشت.

اما "واسکت زردها" آن مردان و زنانی هم هستند که شروع به کشف این واقعیت می کنند، که آنها قربانیان واقعی این چرنیبات درباره شرکت در "تقسیم غنائم قول داده شده" هستند. در حالی که همزمان فرار مالیاتی و افزایش سود سهام (ارزش اضافه) رؤسای کله گنده چهل شرکت حاضر در بازار بورس در ابعاد میلیاردي برای همگان آشکار شده است.

شانس و نقطه عطفی برای مبارزه سندیکائی ت ژ ت

مبارزات ما پس از شکستهای سنگین در مبارزات علیه افزایش سن بازنشستگی متأثر از فشارسنگین مبارزاتی وارده از جانب ت ژ ت برای کسب موفقیت بود و در همان حال عملکرد نیروی بازدارنده رفرمیسم فرصت طلب در رأس اتحادیه و محدودیتهای عملی نیروهای سازمان یافته ما در سطوح پایه آشکار شدند. پایه ت ژ ت در جریان مبارزات مختلف، از مبارزه در مورد قانون کار گرفته تا علیه ابلاغیه های مکرون و تا آخرین مبارزات کارگران راه آهن و سولیدرز (۴) آنچنان مبارزه ای از خود نشان دادند، که علی رغم عدم موفقیت ما در به عقب راندن تهاجم کارفرمایان و دولت، راهگشائی برای مبارزات و پیروزی های آتی ما گردیدند. مبارزات تدافعی- و کمتر تهاجمی- زیادی در بنگاهها در جریان است که بخشی به پیروزیهای در سطح محلی نائل می شوند.

نقطه ضعف ما در کمبود تقویمی سراسری و فرا حرفه ای برای مبارزات سندیکائی است. چیزی که نشان دهنده ماهیت سندیکائی خشم حاکم در محیط کار و زندگی شخصی باشد، این که نشانگر عدم مقبولیت بقچه کلاهبرداری به اصطلاح "بحث اجتماعی" باشد، فقدان این محمل اعتراضی برای همه کارگران، چه آنها که در اتحادیه ها سازماندهی شده اند و چه آنها که عضو اتحادیه نیستند، باعث بروز بی اعتمادی معینی در برابر اتحادیه ها می شود.

فراموش نکنیم که، دشمن طبقاتی ما عامدانه رسوائیهای را سازمان می دهد تا علفهای هرز موجود در اتحادیه با خوشه های زرین غله قاطی شوند.

ادغام موجودیت اتحادیه ها در سیستم بورژوائی جمهوری با هدف تبدیل آنها به (مؤسسات قانونی و به رسمیت شناخته شده از جانب سیستم) "شخصیتهای حقوقی" (=corps constitués)، در نهایت مرگ کاراکتر طبقاتی و توده ای این تشکلهای است که باعث دفاع بدون برو برگشت از منافع نیروی کار در مقابل سرمایه می شود. ظهور جنبش خارج از اتحادیه "واسکت زردها" مجازاتی است برای سقوط رفرمیستی، کاریبیستی و اپورتونیستی جنبش اپورتونیستی اتحادیه ها که - در اکثر موارد بدرستی- به عنوان یک کاست و قشر آریستوکرات و بوروکراتیک-قانونگرا به آن نگاه می شود. تشکلی که دیگر خشم و نارضایتی و تمایل به مبارزه ناشی از خواسته های بحق توده های کارگران استثمار شده را سازماندهی نمی کند؛ این نوع از اتحادیه در زیر سقف مجمع سراسری سندیکائی (syndicalisme rassemblé) سازمانهای CFDT، FO و UNSA جمع شده و متأسفانه رهبری ت ژ ت را نیز آلوده می کند.

جنبش "واسکت زردها" حقوق بگیران، بازنشستگان، بیکاران، شاغلان رشته های نا مطمئن، پیشه وران و کارگران حرفه ای، دهقانان، بازرگانان خرده پا، کارفرماهای شرکتهای کوچک و متوسط و غیره را علیه گرانی مداوم و مسائل

معیشت زندگی متحد کرده است. در میان آنها انسانهائی وجود دارند که تمایلات دست راستی دارند، سوسیالیست اند، چپ ضد لیبرال اند، کمونیست یا آنارشویست اند و یا در اکثریت به آن معنا سیاسی نیستند و البته راست افراطی نیز در میان آنها وجود دارد.

چیزی که در آنها مشترک است مخالفتشان با گرانی و مسائل معیشت زندگی روزمره است که همه آنها قربانی آن اند. از این زاویه عنصر پایه‌ئی برای همکاری ما با این جنبش شکل می‌گیرد، تا متحدانه جلو از هم پاشیدگی زندگی اجتماعی را بگیریم که مردم را فقیر می‌کند و حقوق دمکراتیکی را که برایشان جنگیده ایم از بین می‌برد و دستاورهای اجتماعی ما را نابود می‌کند.

این نوشته فراخوانی است رو به ت. ژ. ت، تا مثل واقعه «نه» به قانون اساسی اروپا در سال ۲۰۰۵ به همراه جریان "واسکت زردها" جایگاه خود در این مبارزه را تشخیص داده و پر کند تا مجدداً چنان جنبش اتحادیه‌ئی بر پایه قدرت توده‌ئی و طبقاتی خود تجدید حیات نماید که در سالهای ۱۹۳۶، ۱۹۴۵ و ۱۹۶۸ قادر به دست یابی به آن همه دستاوردهای نوین دمکراتیک و اجتماعی گردید.

ما باید نشان دهیم که وارثان شایسته گذشتگان مان هستیم و به سخن لنین، رهبر انقلابی بزرگ فکر کنیم که: "کسی که در انتظار انقلابی "ناب" است، هیچ گاه شاهد آن نخواهد گشت. او فقط در گفتارش یک انقلابی است و هیچ درکی از یک انقلاب واقعی ندارد (...)

انقلاب... نمی‌تواند چیز دیگری غیر از انفجار مبارزه توده‌ئی تمامی و هر گونه‌ئی از سرکوب شدگان و ناراضیان باشد. بخشهایی از خرده بورژوازی و بخشهای عقب افتاده کارگری به طور اجتناب ناپذیری در آن شرکت خواهند کرد. بدون شرکت آنها مبارزه توده‌ئی امکان پذیر نیست و اصلاً هیچ انقلابی میسر نخواهد بود. و به همان میزان نیز آنها به طور اجتناب ناپذیری تعصبات و توهمات ارتجاعی خود، خطاها و ضعفهایشان را نیز وارد جنبش می‌کنند. اما به طور عینی آنها به سرمایه حمله خواهند کرد و پیشاهنگ آگاه طبقاتی انقلاب، بخش پیشرفته پرولتاریا که این حقیقت عینی مبارزه عظیم توده‌ئی متنوع، چند صدائی، رنگارنگ و از نظر ظاهری پراکنده را بیان می‌کند، قادر خواهد بود که این جنبش را متحد و هدایت کرده، قدرت را تسخیر نموده، بانکها را تصرف کرده، از همه (هرچند و از هر موضعی که باشد!) تراستهای انزجار آفرین سلب مالکیت کرده و سایر اقدامات دیکتاتورمابانه‌ئی را به پیش خواهد برد که در کلیت خویش منجر به سرنگونی بورژوازی و برقراری سوسیالیسم خواهند شد. ... (ولادیمیر ایلیچ لنین - نتایج مباحثات پیرامون حق تعیین سرنوشت - نوشته شده در جولای ۱۹۱۶ - مجموعه آثار جلد ۲۲ - ص ۳۶)

دست در دست همدیگر با "واسکت زردها" تا به مکرون، این رئیس جمهور میلیاردرها، بگوئیم: "رانندگان، کارگران، پناهندگان و مهاجران بدون اجازه اقامت گاو شیرده نیستند".

۲۱ نومبر ۲۰۱۸

دیانه رولان Diagne Roland، عضو کمیسیون اجرائی شمال ت. ژ. ت
منبع آلمانی:

<http://www.nrhz.de/flyer/beitrag.php?id=25436>

متن فرانسوی:

<http://canempechepasnicolas.over-blog.com/2018/11/a-propos-de-la-lutte-des-gilets-jaunes-lettre-d-un-camarade-a-ses-camarades-de-la-cgt-6.html>

:Quelle

پانویسها:

* به نظر می رسد در ترجمه از فرانسه به المانی اشتباهی صورت گرفته باشد. در متن فرانسه از نوعی کار نام برده می شود که توصیف مختصر آن با cdi بیان شده است. مفهوم "قرارداد دائمی" با سایر عباراتی که در زمینه تعرض به طبقه به کار گرفته شده است خوانائی ندارد. مترجم فارسی

Confédération générale du travail CGT (۱)

اتحادیه سراسری کارگران با ۶۹۰.۰۰۰ عضو، دومین اتحادیه بزرگ فرانسه است. این اتحادیه قبلاً به حزب کمونیست فرانسه بسیار نزدیک بود.

Poujadismus (۲)

جنبشی در سال ۱۹۵۶ در جنوب فرانسه که به رهبری یک تاجر کوچک ابزار لوازم التحریر به نام پی یر پویاده علیه وضع قوانین مالیاتی مدرن شکل گرفت. در این جنبش تاجران و بازرگانان خرد و برخی شرکتهای متوسط نیز شرکت داشتند. این جنبش علیه وضع قوانین مالیاتی مدرن به خاطر نتیجه عملی آن یعنی نابودی اقتصادی تجار و بازرگانان خرد در رقابت با شرکتهای بزرگتر، مبارزه می کرد. نتایج عملی پس از وضع این قوانین درستی انتقاد این جنبش را از طریق نابودی تمام واحدهای تجاری کوچک در آن دوره، ثابت کرد. به این خاطر این جنبش از روی تحقیر به جنبش خرده بورژواها نیز معروف شده است. نامیدن جنبش واسکت زردها به این اسم برجسبی است برای خرده بورژوائی و بی ارزش نامیدن این جنبش و بی خاصیت نشان دادن انتقاد ضد سرمایه داری آن می باشد .

Uberisation- (۳)

رانندگان اوبر. تبدیل رانندگان تاکسی به رانندگان اوبر معادل کاهش سطح زندگی آنان بود.

Solidaires(۴)

اتحادیه معروف به SUD که یک اتحادیه آلترناتیو چپ در فرانسه بر اعتقاد به کار توده ئی و بدون رهبری بوروکراتیک است

منبع:

<http://tadarok.org/index.php/item/1957-2018-12-12-06-06-29>